

# نقش نیروی انتظامی در امنیت و توسعه شهرهای اسلامی - ایرانی

## با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

محمد رحیمی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

### چکیده

امنیت از بسیاری از جنبه‌ها مورد توجه تعالیم اسلامی است؛ لذا شهر اسلامی تجلی تأمین انواع امنیت و ایمنی برای شهروندان است. امنیت و به خصوص بعد اجتماعی آن ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد استدلالی به بررسی موضوع مورد نظر پرداخته است و نتایج بررسی‌های صورت گرفته بر آن است تا معماری و شهرسازی اسلامی و به دنبال آن شهر اصیل اسلامی را ضامن وجود امنیت و آرامش اجتماعی ناشی از آن بداند. در این میان با تحلیل در نظام فکری مقام معظم رهبری در ارتباط با نقش نیروی انتظامی در توسعه شهری اسلامی - ایرانی به این نکته پی برده می‌شود که امنیت زیربنا و یکی از شاخص‌های اصلی در توسعه شهرهای اسلامی می‌باشد. بنابراین چنان که گزیده بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد از دیدگاه ایشان امنیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای مردم و جامعه شهری می‌باشد و در این میان نقش نیروی انتظامی در ایجاد این امنیت بسیار مورد تأکید و حساس می‌باشد و به همین دلیل در اکثر بیانات، ایشان نیروی انتظامی را به دقت و هوشیاری در ایجاد امنیت در محیط زندگی مردم فرا می‌خواند و بر ضرورت وجود امنیت برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، علمی و فرهنگی در جهت توسعه شهر اسلامی تأکید اساسی دارند.

کلید واژگان: نیروی انتظامی، شهر اسلامی - ایرانی، مقام معظم رهبری، امنیت و توسعه.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۰۳۴-۳۲۱۱۱۱۰۱ - mrahimi@uk.ac.ir

## مقدمه

شهر اسلامی شهر پاکی است که همچون آب که رحمت الهی است و آنگونه که قرآن کریم می‌فرماید: «وینزل من السماء ماء فیحی به ال رض بعد موتها...» (و از آسمان باران می‌فرستد تا زمین مرده را زنده کند). (روم، آیه ۴۲) موجب سیلان روح و شفافی و پاکی انسان می‌گردد و در عین حال شهر نمودی از بهشت است که «جنات تجری من تحتها الا نهار...» (در زیر درختان آن نهرهای آب روان است). (صف، آیه ۱۲) بدین سان شهر اسلامی مبتنی بر تصویری روحانی است که هدف آن تزکیه انسان و نزدیک‌تر کردن ساکنان آن به خداست و با فضا، کالبد، بافت، اشکال، نقوش، و رنگ خود پیوندی ناگسستنی با امر قدسی دارد، آن گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «ال یسمعون فیها لغوا و ال تاثیرا ال لقلیال سلما سلما...» در آن جا هیچ حرفی لغو و بیهوده شنیده نمی‌شود و به یکدیگر گناهی نمی‌بندند و جز سالم و تهیت و سپاس به هم نمی‌گویند (واقعه، آیه ۲۵، ۲۶). شهر اسلامی شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است که ویژگی آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. منظور از شهر اسلامی پیوند یک تمدن، یعنی اسلام به شهر است و این نعمتی است که ما را به خاستگاه یک تمدن و حوزه فرهنگی هدایت می‌کند (ایسکانیوز، ۱۳۸۵/۱۰/۲۶). شهر اسلامی، قبل از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی - اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۴۰). شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی که بر اساس ایده آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است (بمات، ۱۳۹۱: ۲۱) شهر اسلامی شهری است که از هویت مستقل عاری و فاقد

نهادهای مدنی، مقررات توسعه یافته‌ی زندگی شهری، اندیشه‌ی شهروندی و سایر شاخص‌های مشابه بوده است (کتاب ماه، ش ۴۲). گذشته از تمام گوناگونی‌های مکان و اقلیم و آب و هوا، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم اند، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌شود (بمات، ۱۳۶۹: ۱۰) توسعه فرایندی است که شرایط زندگی نامطلوب را به مطلوب تبدیل می‌کند. و تعریفی که بانک جهانی در سال ۱۹۹۹ از توسعه ارائه داده است به این صورت است که توسعه بسط طیف امکانات انسان هاست که شامل دسترسی به حق اشتغال، درآمد، تحصیل، بهداشت و محیط زیست است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۵).

شرق شناسان معتقدند که اسلام یک مذهب شهری است و شهر در دنیای اسلامی در واقع سکونت گاهی بوده است که در آن آرمان‌های اسلامی تعقیب شده و تکالیف اسلامی به درستی انجام می‌شده است. اینان هم چنین بر این نکته تاکید داشته‌اند که اسلام به گسترش شهر گری پرداخته و زندگی بدوی را تضعیف کرده و رو به نابودی برده است (بوناین، ۱۳۸۵). شهر اسلامی با توجه به ساختار کالبدی آن دارای یک نوع هماهنگی در محیط کالبدی با اقلیم و محیط طبیعی، در عملکردهای مجاور محیط، با نیازهای انسان و محیط، با ویژگی‌های روحی و فیزیولوژیکی انسان وجود دارد. در شهر اسلامی، فضا با پیچ و خم‌های محافظ شهر به شکل فرم‌های مدور حلزونی است که با نقشه‌ی گسترده‌ی شهر اروپایی در تضاد است. تصویری که در اینجا به ذهن می‌رسد تصویر حلزونی است که با سطح خارجی خود محافظت می‌شود؛ سطح صاف و محکم که موجود زنده را در پناه می‌گیرد... راه‌های ارتباطی که گاهی مخفی هستند و در روی زمین یا در روی پشت بام‌ها قرار دارند، از تمام شهر، خانه‌ی واحدی می‌سازند (بمات، ۱۳۶۹: ۸۸). بنابراین توسعه شهری به عنوان یک مفهوم فضایی را می‌توان به معنی تغییر در کاربری زمین و سطوح

تراکم، جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و غیره تعریف کرد و توسعه پایدار شهری، به تغییرات شهری و کالبد شهر نیز توجه دارد و نکاتی مانند برنامه‌ریزی آموزشی، بهداشتی و رفاه اجتماعی را نیز در برمی گیرد. سیاست گذاری در سطح شهر و منطقه در زمینه توسعه پایداری شهری و منطقه‌ای متمرکز شده است. توسعه مکان‌های زندگی انسانی به دلیل افزایش جمعیت، ارتقای امکانات بهداشتی، بالا رفتن سطح درآمد و فناوری و تأثیرات ناشی از آن در توسعه شهری امری ضروری است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۴۳-۴).

امنیت و آرامش آحاد جامعه از حقوق اولیه و ضروری مردم است. اگر امنیت در ابعاد عینی و ذهنی وجود نداشته باشد، نه تنها زندگی عادی مردم دچار اختلال شده و مشکلات عدیده‌ای برای آنان ایجاد می‌شود، بلکه مسئولین و کارگزاران جامعه هم نمی‌توانند روی مشارکت و همراهی مردم در اداره امور جامعه و دفاع از حیثیت و تمامیت ارضی جامعه را حساب کنند؛ لذا حکومت‌ها موظف به تأمین امنیت شهروندان بوده و برای آن سازمان‌ها و نهادهای مختلفی ایجاد می‌کنند. آرامش مفهومی است که از پیامدهای امنیت محسوب می‌شود و می‌توان گفت یکی از وجوه ذهنی امنیت است. در این تحقیق نیز آرامش و امنیت در کنار یکدیگر و وابسته به هم در نظر گرفته شده‌اند. با این توصیف که باوجود امنیت در جامعه احساس آرامش ایجاد خواهد شد و گفتگو در مورد آن قابل تبیین است. نظام سیاسی یکی از چهار نظام اساسی جامعه و خرد سیستم سیاسی در راستای این نظام نقش مهمی در تأمین امنیت در ابعاد ملی، داخلی، عمومی، اجتماعی و... ایفا می‌کند. در جامعه ایران بر مبنای تقسیم کار اجتماعی، این وظیفه به عهده نیروهای مسلح (ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی) واگذار شده است. نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از نیروهای تأمین کننده در امنیت و آرامش بویژه شهروندان نقش مهم و جدی را به عهده

دارد. در انجام صحیح این مسئولیت خطیر می‌بایست راهبرد تأمین آرامش و امنیت شهروندان را تدوین نماید تا بتواند بر اساس برنامه مشخص اقدام کند. تحلیل راهبردی که محور اصلی پیشرفت و تغییرات بنیادین جامعه به شمار می‌رود، بواسطه چهارچوب و قاعده فکری مختص خود شیوه مناسبی است که چگونگی رسیدن به اهداف راهبردی را مهیا می‌سازد. یکی از منابع مورد استناد برای تدوین راهبردها اسناد بالادستی از جمله نظرات و فرمان‌ها فرمانده معظم کل قوا است؛ بنابراین می‌توان دستورات، فرمان‌ها، تدابیر، رهنمودها و فرمایشات ایشان را در حوزه مأموریت و وظایف ناجا تنظیم و سازماندهی نمود و بعنوان مهم‌ترین منبع فراروی سازمان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها در برقراری نظم و تأمین امنیت مدنظر قرار داد؛ بنابراین در تدوین چنین سندی الزام است که بیانات معظم‌له مورد واکاوی بیشتر قرار گرفته و تمامی تدابیر و رهنمودهایی که می‌تواند جنبه راهبردی داشته باشد، استخراج و در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تنظیم گردد تا بتوان به‌عنوان اصول کلی و اساسی در ابعاد راهبردی از آن بهره جست.

### مبانی نظری

**شهر اسلامی:** رواج عنوان «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان به ویژه «شهر اسلامی» (شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان نشین)، نامیده شدن از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد «شهر اسلامی» که به شهرهای ساخته‌شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تبعات شهری سکونتگاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد (نقی‌زاده؛ ۱۳۹۰).

انسان براساس جهان‌بینی خود همواره با محیط در هم‌کنشی بوده و تأثیر این دو «بر» و «از» یکدیگر اساس بسیاری از مطالعات را شکل داده است. تأثیر انسان بر محیط بر پایه جهان‌بینی یا فلسفه زندگی شکل می‌گیرد؛ این تأثیر به گونه‌ای پابرجاست که عده‌ای معتقدند برای نمونه شهر اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین آن می‌توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. از اینرو احداث و شکل‌گیری شهر در تمدن انسانی همواره بیان‌کننده ایدئولوژی و جهان‌بینی حاکم بر آن جوامع بوده است؛ به همین جهت در محیط‌های جغرافیایی متباین، شهرها را با نقش و اهمیت متفاوت و با رشد ناهماهنگ و ناهمسان می‌بینیم (فرید. ۱۳۷۵: ۵۳۲).

### ویژگی‌های مطلوب شهر اسلامی

عوامل شکل‌دهنده «شهر اسلامی» در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند اولین عامل «ایمان شهر» یا اصول ایمانی آنهاست که از آن به فضای فکری (تفکر و جهان‌بینی توحیدی) تعبیر می‌شود

عامل دوم «اصول عملی» اسلام است که از آن به فضای رفتاری تعبیر می‌شود. مقررات و قوانین و اصول اخلاقی، جزئیات این اصول هستند که روابط مدیر شهر، (فضای عمل و رفتار) می‌نامند.

عامل سوم کالبد شهر است که از آن به «فضای عینی» تعبیر می‌شود. این کالبد توسط انسان (فضای فکری) و با رفتار اسلامی (عمل و اخلاق اسلامی)، که تبیین‌کننده ارتباط با جهان خارج (اعم از جامعه و محیط مصنوع و طبیعت) است، منجر به ایجاد فضا و محیطی می‌شود که در عین حالی که از اصول اسلامی نشأت گرفته اند، به این اصول اشاره دارند و انسان را در مسلمان زیستن کمک می‌کنند (نقی زاده، ۱۳۸۷)

## صفات شهر اسلامی

با توجه به تفاسیر متفاوتی که در مورد «شهر و شهرسازی اسلامی» ارائه می‌شود، شناسایی ویژگی‌ها و صفات «شهر اسلامی» یکی از ضروریات اولیه است. در این راستا شناخت مبانی و اصولی که منشاء این ویژگی‌ها و صفات هستند با اهمیت خاص خویش گام اول در این پژوهش می‌باشند. زیرا این مبانی و اصول هستند که بایستی بر هر آنچه که به صفت «اسلامی» متصف است تأثیر گذاشته و ویژگی‌های آنرا مشخص کنند. و مقاله حاضر سعی در معرفی برخی صفات شهر اسلامی دارد که اهم عناوین آن عبارتند از:

شهر اسلامی، شهر تجلی توحید: اصل توحید به عنوان صفت ممیزه اسلام با سایر مکاتب و ادیان تأثیری بنیادین بر شهر اسلامی دارد که این تأثیر را در زمینه‌های متفاوت می‌توان مشاهده کرد.

شهر اسلامی، شهر عبودیت و عبادت: عبودیت حضرت حق سبحانه و تعالی، بعنوان هدف اصلی خلقت، بایستی تأثیر مستقیمی بر شکل و سیمای شهر اسلامی داشته باشد. در این راستا، فضاها و عناصر عبادی و روحانی و معنوی نه تنها بر کالبد و سیمای شهر تسلط فیزیکی و روانی دارند بلکه عامل هویت شهر نیز هستند.

شهر اسلامی، شهر تقوی: مهم‌ترین ویژگی تقوی در رابطه با شهر اسلامی عبارت از بین بردن و یا عدم ایجاد زمینه بروز گناه می‌باشد.

شهر اسلامی، شهر هدایت: شهر اسلامی بایستی به انحاء مختلف ساکنینش را به سمت ارزش‌های اسلامی و هدفی که اساس خلقت انسان بر آن استوار است هدایت نماید.

شهر اسلامی: شهر ذکر و تفکر: انسان فطرتاً به بسیاری از اصول و ارزش‌ها آگاه است که در روز السّ پیمان به رعایت آن‌ها بسته است. این اصول و ارزش‌ها نیازمند یادآوری و تذکر هستند، و شهر اسلامی به طرق گوناگون می‌تواند این تذکر دهی را انجام دهد. در

جهت تکمیل نقش تذکرده‌ی نیازمند ایجاد زمینه تفکر، بعنوان یکی دیگر از ارزش‌های اسلامی هستیم که شهر اسلامی باید زمینه ساز آن باشد.

شهر اسلامی، شهر عدالت: عدل بعنوان بارزترین صفت فعل الهی، از ویژگی‌هایی است که بایستی فعل انسان (خلیفه الله) نیز به آن متصف باشد. با عنایت به تأکید تعالیم اسلامی در مورد رعایت عدل و الزام توجه به آن در همه ابعاد زندگی، می‌توان تجلی آنرا در شهر اسلامی بعنوان یکی از مناسب‌ترین و بهترین جاها دانست.

شهر اسلامی، شهر اصلاح: یکی از اساسی‌ترین وظایف انسان در زمین از اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن می‌باشد، و شهر یکی از بهترین زمینه‌های رعایت این اصل و وظیفه انسانی است.

شهر اسلامی، شهر شکر: با توجه به معنای شکر، شهر اسلامی با بکار بردن نعمات الهی در مکان مانسب خود، نوعی خاص از تجلی شکر عملی را به نمایش می‌گذارد.

شهر اسلامی، شهر عبرت: تعالیم اسلامی انسان را به عبرت‌گیری از گذشته فراخوانده است؛ لذاست که شهر اسلامی آیین عبرت اعمال گذشتگان می‌باشد تا اهل خویش را به تکرار حسنات و اجتناب از سیئات ترغیب نماید.

شهر اسلامی، شهر امنیت: امنیت، از بسیاری جنبه‌ها مورد توجه تعالیم اسلامی است؛ لذا شهر اسلامی تجلی تأمین همه انواع امنیت و ایمنی برای شهروندان است.

شهر اسلامی، شهر احسان: احسان انسان نسبت به هم‌نوع آن تعالیم اسلامی نشأت می‌گیرد و ملحوظ داشتن آن بر سیما و کالبد شهر اثر گذاشته و شهر اسلامی را از شهرهای دیگران متمایز می‌نماید.



شهر اسلامی، شهر میانه: میانه روی بعنوان تجلی عینی تعادل در همه زمینه‌های معنوی و مادی حیات، صفتی است که در صورت رعایت، می‌تواند در اتصاف شهری به صفت اسلامی نقشی ارزنده ایفا نماید.

### توسعه شهری اسلامی - ایرانی

امروزه گسترش بین‌المللی هنجارهایی چون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به همسان‌سازی ارزش‌های سیاسی کمک کرده است. بسیاری از حکومت‌ها قادر به برآوردن انتظارات جدید نیستند و فرهنگ‌ها نیز فاقد قدرت انطباق سریع می‌باشند. با توجه به هیجانانگیز ریشه‌داری که معمولاً با این ناآرامی‌ها و برخوردها همراه است، ابهام قابل ملاحظه‌ای درباره‌ی بهترین راهبردهای مدیریت و مقابله با آن‌ها وجود دارد (بریچر، ۱۳۸۲: ۶۰). به عبارت دیگر، همانگونه که خصیصه‌ی فرازمانی و فرامکانی نظریه‌های توسعه‌ی خطی نفی می‌گردد، برجسته‌سازی برخی وجوه توسعه به بهای وجه یا وجوه دیگر نیز غیرعملی می‌باشد.

توسعه فراگردیست که بر ازدیاد کمی ثروت و تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دلالت دارد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰-۱). بر اساس این تعریف، توسعه متفاوت از مفهوم رشد بوده، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی به شمار نمی‌آید، چراکه بسیاری از عوامل غیراقتصادی در آن دخالت داشته و در نتیجه، بر مبنای معیارهای اقتصادی و غیراقتصادی سنجش می‌شود. به عبارت دیگر، توسعه علاوه بر بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را نیز در می‌گیرد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

بدین‌سان، تحقق توسعه در ایران مستلزم اتخاذ یک پارادایم توسعه‌ی متناسب با شرایط کشور و عزم و اراده ملی جهت اجرای آن است. الگوی توسعه‌ای کاربردی است که مؤلفه‌های بومی، جغرافیایی و پتانسیل‌های موجود در آن کشور را مدنظر داشته باشد و درواقع، روح حاکم بر آن الگو، الهام‌گرفته از شرایط خاص کشور هدف باشد. بنابراین الگوی بهینه‌ی توسعه باید بتواند باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به صورت بنیادین چنان متحول سازد تا با ظرفیت‌های شناخته شده‌ی جدید متناسب شوند. بر این اساس، اصلی‌ترین ویژگی الگوی توسعه‌ی شهری اسلامی - ایرانی را می‌توان در راستای «الگوسازی نظریه‌ی سیاسی اسلام» (حمزه‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹۷) تبیین نمود. مهم‌ترین خاصه‌های این الگوسازی را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف: اتکا بر مبانی اعتقادی، اصول و ارزش‌ها و استنباط به‌هنگام از آن‌ها. به این معنا که الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی ضمن تقید به آموزه‌ها و مضامین اسلامی، «مبین نیازهای کنونی و آینده‌ی کشور و در برگیرنده‌ی حفظ و افزایش منابع ملی و قدرت ملی بوده و علاوه بر جامعیت، توازن و پایداری متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییر می‌یابد. بنابراین، همانگونه که گفته شد، در الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی متغیر زمان و مکان نقش کلیدی ایفا می‌کند. این موضوع به‌معنای آن نیست که جامعه در گذر زمان هویت فرهنگی - تاریخی خود را از دست می‌شود، بلکه ناشی از تغییرات زمانی و ماهیت متحول و سیال نظام بین‌الملل متناسب با استراتژی حفظ و افزایش منافع ملی و قدرت ملی است» (حجازی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). این تحولات بیش از هر حوزه در حوزه‌ی سیاسی انعکاس یافته که بیانگر تغییر نوع نگرشی و مطالبات سیاسی، اجتماعی جامعه در قیاس با گذشته است که تجلیات آن نیز متناوب می‌باشد. این شرایط نوظهور نیازمند راهبرد متناسب به‌منظور حفظ امنیت سیاسی می‌باشد.

ب: درک روشن از جهان در عرصه‌های مختلف و ارزیابی واقع بینانه از امکانات و قابلیت‌های سرزمین و همچنین محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه کشور (حمزه‌پور، ۱۹۵). طرح الگوی توسعه بدون توجه به الزامات، مقتضیات و محذورات محیطی اعم از داخلی و بین‌المللی عبث بوده، نافرجام خواهد ماند. بنابراین، تنظیم الگوی بومی توسعه که تلفیقی از خصایل اسلامی و ملی ایران باشد، ضمن اینکه مستلزم توجه به استلزامات حاکم بر این خصایل است، نیازمند اهتمام به شرایط و فضای حاکم بر گرایش‌ها و پویای‌های جهانی نیز می‌باشد.

ج: آگاهی از مقیاس جمعیت در افق مورد نظر و برآورد حجم تقاضاهای جمعیت (حجازی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). انتظارات و مکاتبات جامعه در سطوح گوناگون طبقه‌بندی می‌شود که ملحوظ داشتن آن‌ها در الگوی توسعه بومی امری ضروری و بنیادین تلقی می‌گردد. کاهش فاصله میان تقاضاهای جمعیت و تقاضاهای حکومت از طریق سیاستگذاری حسابگرانه در چارچوب الگوی توسعه بومی شرط اثربخشی و بقا و استمرار آن می‌باشد.

### رهبری معظم مقام دیدگاه از ایرانی - اسلامی شهر

شوراهای شهری در فعالیتهای خود باید به مختصات «شهر اسلامی» توجه کرده و خدمات شهری را در جهت تأمین این مقصود به کارگیرند و بخصوص به معماری و شهرسازی متناسب با حیات طیبه‌ی اسلامی به طور کامل توجه کنند. در شهر اسلامی، عدالت در تقسیم خدمات شهری، تأمین آرامش روحی و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی، عمران و آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و فضای طبیعی، همه با هم باید مورد توجه قرار گیرد. (مقام معظم رهبری ۱۳۷۸/۲/۸)

## استخراج شده از بیانات رهبر معظم انقلاب

- ۱- عدالت در تقسیم خدمات شهری:
  - تسهیل زندگی مردم در کارهایی که به شهرداری‌ها مربوط است.
  - برطرف کردن معضلات شهر و روستا.
  - رعایت دقیق قوانین و عدم تخطی از آن با حيله‌های شبه قانونی.
  - رعایت ویژه‌ی محرومان.
  - آلوده نشدن به اسراف و هدر ندادن بیت‌المال با تجملات زائد و سفرها و مراسم غیرلازم
  - آسان سازی خدمت رسانی و عدالت و فراگیری در خدمات شهری.
  - توجه به نیازهای جانبازان و مصدومان جسمی.
  - نگاه عدالت گستر به محله‌ها و اشخاص محروم
  - توجه ویژه به بانوان و نیز به جوانان.
  - تأثیرناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه‌ی ثروت
  - اولویت دادن به مناطق مستضعف‌نین
  - تأمین آرامش روحی و امنیت معنویدر شهر اسلامی فضاها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم احساس می‌کنند به معنویات گرایش پیدا می‌کنند.
  - در شهر اسلامی اهل دین و پرهیزگاری و پارسایی در فضاهاى شهری احساس امنیت می‌کنند.
  - در شهر اسلامی اهل فساد برای فسادشان احساس ناامنی می‌کنند ولی خودشان احساس امنیت دارند.
  - ترویج فرهنگ نظم و قانون.

- استقرار بخشیدن به جو اسلامی و فرهنگی سالم.
- ظهور و اعتلای مظاهر اسلامی و انقلابی: در شهر اسلامی پدیده‌ها به حرکت و زیست اسلامی کمک می‌کنند نه بر ضد آن.
- در شهر اسلامی مظاهر معنویت در شهر چشم نواز است..
- در شهر اسلامی نشانه‌های فرهنگ اسلامی ایرانی محسوس می‌باشد.
- تأثیرناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه‌ی ثروت.
- گسترش نمادهای دین و اخلاق.

## ۲- عمران و آبادی و زیبایی:

- در شهر اسلامی ساختمان سازی اسلامی خصوصیتی دارد؛ معماری‌های ملایم و چشم نواز و دارای انحنای طبیعی و دارای مظاهر معماری اسلامی از جمله طاق‌ها و گنبد‌ها و ستون‌ها و نقاشی‌ها.
  - حفظ حجاب و عفت از خصوصیات معماری اسلامی است.
  - محیط خانه از لحاظ زندگی اسلامی، باید محیط امن و امانی است
  - در شهر اسلامی فرهنگ ایرانی و بنا و معماری ایرانی در آن متجلی است.
  - در شهر اسلامی فرهنگ اسلامی ایرانی همراه با زیباسازی رعایت می‌شود.
  - حفظ اصالت اسلامی و ملی در ساخت و سازها.
  - حفظ هویت و اصالت شهرها و روستاها.
  - پایبندی به معماری اسلامی و ایرانی.
  - رعایت زیبایی و استحکام بناها.
- ## ۳- حفظ طبیعت و صفای معنوی:
- سالم‌سازی محیط زیست.

- توسعه فضای سبز و اهتمام به سلامت محیط زیست.

### توسعه اسلامی - ایرانی و جمهوری اسلامی

امروزه نظام جمهوری اسلامی در ایران با بیش از سی سال پشتوانه‌ی عمیق از تجربیات فکری و عملی در ابعاد گوناگون داخلی و خارجی و نیز با وجود سند راهبردی چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور که در آن بر توسعه‌ی جامع و پایدار دانش، اقتصاد و فن‌آوری به‌عنوان گزینه‌های استراتژیک برای توسعه‌ی پایدار کشور تأکید شده است، نه تنها تحکیم و تثبیت خود را به‌عنوان یک مدل و الگوی حاکمیتی موفق برای کشور ایران به اثبات رسانده و از مرحله تلاش برای بقاء عبور کرده است، بلکه برای حضور همه‌جانبه در عرصه‌های متعدد بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و جهانی به شدت مستلزم توجه و ترجمان عملی نگرش‌ها و رویکردهای توسعه‌گرایانه در اسناد راهبردی به سیاست‌ها و استراتژی‌های متناسب است. زیرا سیر منطقی تبدیل تجربیات فکری و عملی به واقعیات ملموس؛ در برگیرنده‌ی سه مرحله‌ی هدف، سیاست و استراتژی است تا با انجام سیاست‌گذاری و طراحی مؤثر امکان اجرای استراتژی‌ها با ابزار موجود و در زمان و مکان مقتضی فراهم گردد. بنابراین تحقق اهداف اساسی اسناد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه‌ی پایدار کشور به‌عنوان یک مدل توسعه و پیشرفت اسلامی - ایرانی، نیازمند طراحی و اجرای سیاست‌های متناسب در هر دو حوزه‌ی امور داخلی و خارجی است. اما از آنجایی که همواره به‌لحاظ ارتباط تنگاتنگی که شرایط خاص موقعیت مکانی کشور ایران با روندهای سیاسی نظام بین‌الملل و استراتژی جهانی داشته و رشد و توسعه را در آن مستلزم ایجاد فضای باز ژئوپلیتیکی نموده است، از یک سو چگونگی رفتارها و عملکردها در حوزه‌ی سیاست خارجی آن همیشه از وضعیت تعیین‌کننده‌تری در تأمین

سطح هزینه‌ها و منافع، میزان و نوع ارتباط این کشور با عرصه‌های بین‌المللی بهره‌مند بوده و از اهمیت به مراتب بالاتری در دستیابی به اهداف اساسی و توسعه‌ی پایدار کشور برخوردار است. اهمیت بیشتر این حوزه هنگامی آشکارتر می‌شود که به اولویت ویژه‌ی توسعه‌ی برون‌گرا و ضرورت‌های تأکید سند چشم‌انداز بر گسترش تعاملات با محیط بین‌المللی، شناخت کافی ایجاد گردد.

از سوی دیگر پایداری حاکمیت جمهوری اسلامی و تجربیات متعدد آن در عرصه‌های گوناگون، در شرایط کنونی این کشور را در مسیری قرار داده است که آن را از اهم زمینه‌های به کارگیری یک الگو یا مدلی بومی و ملی با تأکید بر علایق ارزشی و اعتقادی برخوردار نموده است. بر این اساس در دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی که تحت عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت مطرح است، تحقق اهداف توسعه‌گرایانه‌ی نظام جمهوری اسلامی، مستلزم طرح‌ریزی و اجرای امور جامعه در قالب یک الگوی اسلامی - ایرانی با تأکید بر حفظ محورها و مبانی اساسی و ارزشی است. به نحوی که با تمامی دستمایه‌های سی‌ساله اخیر در امور داخلی و خارجی و جمع‌بندی فرصت‌ها و چالش‌های موجود ملی و بین‌المللی، اقدامات عملی برای ایجاد پیشرفت و عدالت صورت گیرند.

یکی از الزامات اساسی برای نیل به این مهم، حضور عینی تفکر و نگرش توسعه‌گرایی با اولویت توسعه نسبت به بقاء، در ساختار اجرایی و سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی کشور در قالب مدل و الگوی اجرایی اسلامی - ایرانی است. زیرا یک دولت توسعه‌گرا، موضوع اساسی تحقق پیشرفت و عدالت را در ایجاد هماهنگی کامل میان تدوین سیاست‌ها و انجام اقدامات به هم‌پیوسته‌ی داخلی و خارجی می‌داند که تولید این استراتژی، تأمین منافع ملی و تقویت نظام جمهوری اسلامی در بالاترین سطح ممکن با تکیه بر الگوی توسعه‌ی اسلامی - ایرانی است. در این فرآیند جدید و با هدف اعمال

گفتمان توسعه‌گرایی بر محور مدل اسلامی - ایرانی در عملکرد دولت جمهوری اسلامی، آنچه که مسئولیت و ضرورت نگرش دقیق‌تر کارگزاران ارشد امور داخلی و خارجی کشورمان را الزامی نموده است، لزوم نگرش عملی به ابعاد همه‌جانبه‌ی ظرفیت‌های ارزشی و ملی و تأکید بر تبلور این توانمندی‌ها در عرصه‌های گوناگون بین‌المللی است.

### توسعه از دیدگاه مقام معظم رهبری

در نظام‌های سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هرچه بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. آن‌جا مسأله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. این‌که شکوفایی نخواهد شد!» نظام اسلامی این‌گونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه‌ی ثروتمند است، نه یک جامعه‌ی فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله‌ی اوّل نیست. آنچه در درجه‌ی اوّل است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هرکس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات متعلق به همه‌ی کشور است و باید در این‌ها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مأمورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اعمال روش‌های غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: «آقا، من ثروت را خودم به دست آورده‌ام». در نظام اسلامی،



چنین چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایه‌ی صحیحی نیست، از اصل نامشروع است (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۵/۱۲) آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسأله‌ی «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این‌طور تصور می‌کردند - شاید حالا هم تصور کنند - که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه‌ی مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه‌ی عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله‌ی طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به‌خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمی‌توانند. خرابی‌ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیق‌تر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، والا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم. (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۷۴/۶/۸) و شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم... نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت... ممکن است (بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱)

## امنیت

امنیت مسئله‌ای به قدمت تاریخ بشر است که با حیات انسان در ارتباط بوده و هست و نه تنها زندگی انسان توأمان با امنیت بوده، بلکه دغدغه اصلی او در طول زندگی، امنیت حفظ و نگهداری آن بوده است. با توجه به موضوع امنیت جامعه اسلامی و نقش پلیس در حفظ آن، اهمیت این مسئله دو چندان شده و از این جهت که موضوع جامعه اسلامی است باید در چنین جامعه‌ای سعی شود معیارها و ملاک‌های اسلامی حفظ شود؛ هر چه از عمر آن می‌گذرد به دستورات و فرامین الهی بیشتر عمل شود، تا شاهد شیرین فرامین الهی به کام مردم آن جامعه ریخته شود. این مهم حاصل نخواهد شد مگر این که حفظ آن برتر و بالاتر باشد. برقراری امنیت مهم است، ولی حفظ و نگهداری آن مهم‌تر می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که امنیت بادوام و پایدار وجود نداشته باشد، ضمانتی برای اجرای احکام الهی و استدامت آن وجود ندارد. با توجه به این نکته است که نقش و ضرورت وجود نیرویی به عنوان پلیس برکسی پوشیده نیست و از اینجا است که پلیس نقش خود را باید درک کند و با مهارت‌های لازم آشنا شده و سیره علمی و عملی خویش را کامل کرده و با تجهیزات و امکانات لازم وارد صحنه شده که بتواند دو امر مهم را به انجام برساند، یکی برقراری امنیت و دیگری حفظ و نگهداری آن و حافظان امنیت با کمک متولیان امر باید برنامه‌ریزی پایدار و دقیق و عالمانه‌ای را در جامعه اسلامی ادامه داده و آن را نهادینه کرده تا موفق به اهداف خویش گردند و در این تحقیق بعد از بیان اهمیت جامعه اسلامی و معیارهای در نظر او را مورد بررسی قرار داده و آنگاه به نقش پلیس در حفظ آن پرداخته و سپس نتیجه گیری و آنگاه پیشنهادات و منابع ارائه می‌گردد.

امیرالمومنین علی (ع) یکی از اهداف رفیع تشکیل حکومت اسلامی را تأمین و برقراری امنیت در جامعه می‌داند. البته همه اقسام آن را مدنظر دارند. حتی اجتماع سالم محال است

بدون امنیت دوام پیدا نماید. در این میان آن چه خود را از همه بیشتر در برقراری و حفظ امنیت نشان می‌دهد، متولیان امر هستند و می‌توان گفت پلیس (البته به معنای عام) قشری است که نقش اساسی و مهمی را در برقراری و حفظ و نگهداری امنیت ایفا می‌کند و بر همین اساس راه‌هایی را باید در پیش بگیرد که بتواند به این هدف مهم دست یابد. در این مقاله به چندین راه اشاره شده است که عبارتند از: رفق، مدارا و ملاحظت و مهربانی، اخلاق خوش و برخوردار بودن از معاشرت صحیح و قابل قبول که این مرحله نقش اساسی را ایفا می‌کند و در قرآن کریم هم به عنوان عبادالرحمن معرفی شده‌اند. اینان کسانی هستند که روی زمین فروتنانه راه می‌روند و چون نادانان ایشان را مخاطب می‌سازند سلیمانیه و با حلم پاسخ می‌دهند و چون بر امر لغوی بگذرند کریمانه می‌گذرند و با اخلاق خوشی اعتماد افراد جامعه حاصل می‌گردد و با حصول اعتماد روح آرامش و آسایش به جامعه اعطا می‌شود.

مفهوم احساس امنیت یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می‌روند بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند، بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود (کامران و برآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶) امروزه به دلیل پیشرفت توسعه و تمدن، امنیت نقش مهم تری به خود گرفته و دامنه آن، همه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است. این تحولات گرچه مشکلات بسیاری از زندگی انسان‌ها را نسبت به گذشته بهبود بخشیده است، اما آمارها نشان از کاهش امنیت و افزایش ناامنی دارند. ناامنی‌های پیدا و پنهان، طبیعی و انسانی، در زندگی کودکان، زنان، مردان و حتی سالخورده‌گان با شدت و ضعف، دامن گیر

تمام جوامع است (صارمی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). یکی از این نیازها امنیت و آرامش است و از گذشته دور نقش به سزایی در شکل‌گیری جوامع داشته است و وجود آن در هر جامعه‌ای نویدبخش پویایی، رشد، پیشرفت، ثبات، پایداری نهادها و سازمان‌های اجتماعی بوده، از این رو هر جامعه‌ای با ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی سعی در فراهم آوردن امنیت این نیاز ضروری بشر داشته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سازمان نیروی انتظامی در کشورمان اشاره کنیم. در این میان ضرورت پرداختن به مقوله امنیت در شهرها از آنجایی مهم می‌نماید که پیوند متقابل میان امنیت و توسعه اجتناب‌ناپذیر است. امنیت زمینه ساز و بستر توسعه در ابعاد اجتماعی و اقتصادی است و خود از آن تأثیر می‌پذیرد. در ایران تأمین نظم، امنیت و آسایش عمومی طبق قانون ناجا از نیروی انتظامی است.

امنیت و فراهم نمودن رفاه، و آسایش یکی از اساسی‌ترین عنصر وجودی شهر و شهر نشینی: خداوند در آیه ۱۲۶ سوره بقره قرآن کریم می‌فرماید: «و ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این شهر را جای امنی گردان» که علامه طباطبایی (ره) در جلد ۱۲ م تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید: مراد از ایجاد امنیت، امنیت تشریحی است نه تکوینی، به این معنا که به صورت تدوین قوانین، امنیت شهر را تضمین و اداره نماید؛ و در ادامه می‌فرماید این نعمت بس بزرگی است که خداوند به بندگان خود ارزانی داشته و به سبب آن خیرات و برکات دینی و دنیوی نصیب مردم شده است و از بال‌هایی که دیگر شهرها دیده‌اند مصون مانده‌اند و در ادامه می‌فرماید که: وجود آن امنیت تشریحی در مکه باعِ تداوم امنیت در چهار هزار سال شده است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۲). خداوند متعال در دو نوبت در خصوص حرمت و امنیت شهر به شهر سوگند یاد می‌کند (بلد ۲، تین ۳، نمل ۹۱) در سوره بقره آیه ۱۲۶، حضرت ابراهیم (ع) نعمت امنیت شهر را مشخصاً از پروردگار طلبیده است (شاکر، ۱۳۸۲: ۹۱) واقعیت این است که نباید شهرسازی را فقط در گرو

مجموعه‌ای از مسایل اجرایی تنها ببینیم بلکه باید باور داشته باشیم که شهرساز مسلمان و معتقد می‌تواند شهر و سکونت گاه اسلامی بسازد (شاهسوندی، ۱۳۶۷: ۲۲) با استفاده از آیات و روایات می‌توان چهره شهرها را در تاریخ انبیاء تبیین نمود. از مجموع آیات الهی چنین بر می‌آید که شهر اسلامی از تقدس خاصی بر خوردار است و باید در جهت گسترش امنیت شهروندان آن از هر نظر کوشید (غنی زاده، ۱۳۸۶) شهرهای اسلامی از محالتمتایز چندی که بر اساس قومیت، مذهب، تجارت و یا کاربری بوجود آمده اند، تشکیل شده و ساکنین محله، به محله‌ی خود عالقه و وابستگی خاص دارند (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۴۱۱). الپیدوس می‌گوید: «جامعه‌ی محله‌ای، جنبه‌ی مهمی از زندگی شهری مسلمانان (که مبتنی بر محله‌های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با منشاء قومی یا قبیله‌ای، مذهب، تجارت، یا پیروان رهبران سیاسی و مذهبی بود) باقی‌ماند (دانتون، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۲) در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل نظام و هویت می‌یابند (کتاب ماه: ۷۴)

### محدودیت‌ها و تنگناهای برقراری امنیت شهری توسط نیروی انتظامی

واقعیت این است که وظیفه نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی تعریف عملیاتی در نظر گرفته نشده است و اقداماتی را که این نهاد در تأمین این سطح از امنیت انجام می‌شود، با مرزهای امنیت عمومی که از وظایف و مأموریت‌های اصلی نیروی انتظامی مندرج در قانون این نیرو مصوب مجلس شورای اسلامی می‌باشد، انطباق دارد و در حقیقت نیروی انتظامی با رویکرد سلبی به تأمین امنیت اجتماعی نگاه می‌کند. به عبارتی نیروی انتظامی امنیت اجتماعی را صرفاً از دریچه‌ای امنیت اخلاقی می‌نگرد؛ یعنی تلقی

نیروی انتظامی از ناامنی‌های اجتماعی مواردی چون شیوع فساد و فحشا، بدحجابی و بد پوششی، قاچاق مشروبات الکلی، قاچاق مواد مخدر، پارتی‌های شبانه، کاروان‌های عروسی نامتعارف، روابط نامشروع و... است که نیروی انتظامی مقابله با اینگونه ناامنی‌های اجتماعی را وظیفه خود می‌داند. از طرفی ناجا در آمارهای ارائه شده سالیانه خود که معمولاً دارای طبقه‌بندی حفاظتی نیز می‌باشد، اینگونه آمارها را در راستای محورهای یادشده به عنوان آمارهای عملکرد نیروی انتظامی در مقابله با ناامنی‌های اجتماعی و تأمین امنیت اجتماعی ارائه می‌نماید (کریمایی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۱).

### امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری امنیت به‌عنوان سکون و استقرار، عامل آرامش روحی و فکری، نیاز اجتماعی، مایه آرامش فردی و اجتماعی تعبیر شده است.

الف- اهمیت و ضرورت امنیت و آرامش: بر اساس بیانات رهبر انقلاب اسلامی، پایه و اساس بسیاری از پیشرفت‌های مادی و موهبت‌های معنوی در جامعه اسلامی مرهون ایجاد، گسترش و پاسداشت دو مقوله امنیت و آرامش است. اصولاً امنیت یکی از نیازهای ذاتی و اساسی بشر در طول تاریخ بوده است. به یک معنا، تحقق فرد و جامعه در گرو امنیت است. مهم‌ترین وجوه مربوط به اهمیت و ضرورت امنیت و آرامش مستخرج از بیانات ایشان عبارت است از:

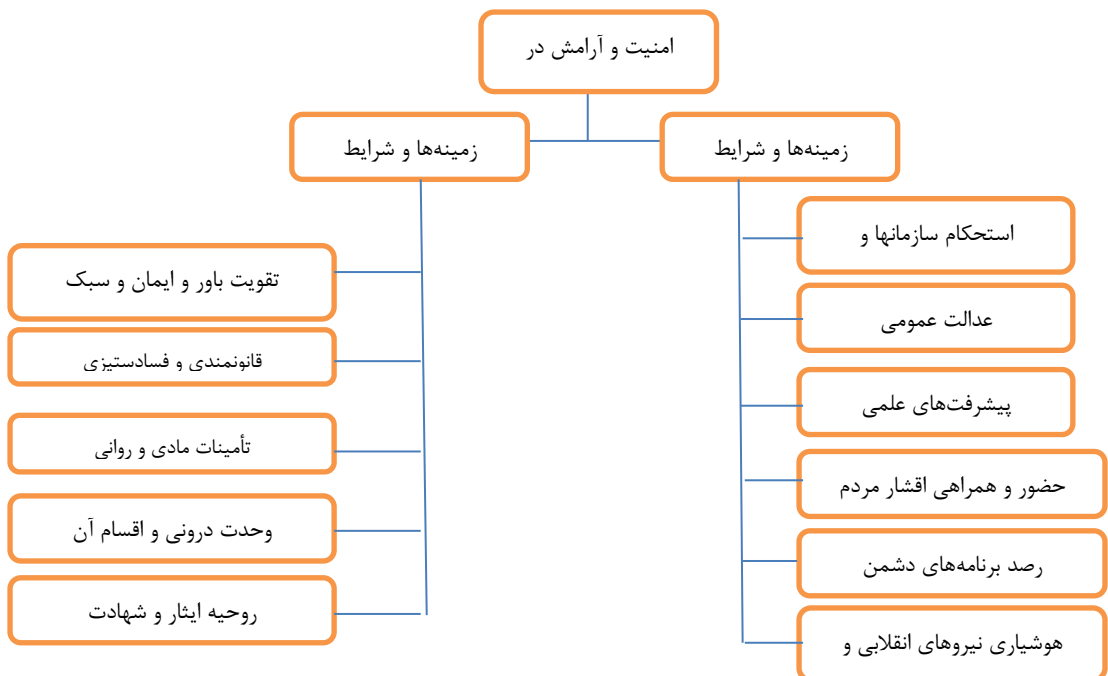
- زیرساخت پیشرفت‌های مادی و غیرمادی: امنیت به عنوان شرطی مهم برای حرکت رو به جلو از سوی رهبری معرفی شده است
- امنیت نعمت بزرگی است... شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت در درجه اول امنیت است (۱۳۷۸/۶/۱۰) اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی... عدالت

اجتماعی... دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود (۱۳۷۹/۱/۶) مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی است که مردم احساس امنیت نکنند (۱۳۷۹/۷/۱۸).

- لازمه الگو شدن کشور اسلامی و تمدن‌سازی: برای الگو شدن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری اسلامی و تبدیل شدن به حیات طیبه و رسیدن به تمدن اسلامی الزام است امنیت و آرامش در سرتاسر نظام اجتماعی حکمفرما باشد. همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه عدالت هست (۹۵/۵/۱۱).

ب- زمینه‌ها و شرایط امنیت و آرامش: رهبر انقلاب اسلامی، برای تحقق امنیت و آرامش بسترهای فردی و اجتماعی را الزام می‌دانند که مهم‌ترین آن برگرفته از سخنان ایشان، در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است:

نمودار شماره (۱): زمینه‌های امنیت و آرامش در شهر از دیدگاه مقام معظم رهبری



### برنامه‌ریزی شهر اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب در مورد نکات مهمی که لحاظ کردنشان در برنامه‌های شهری ضرورت دارد می‌فرماید: «... ترویج فرهنگ نظم و قانون، و گسترش نمادهای دین و اخلاق، و آسان‌سازی خدمت‌رسانی و عدالت و فراگیری در خدمات شهری... و توجه به نیازهای جانبازان و مصدومان جسمی، و نگاه عدالت‌گستر به محله‌ها و اشخاص محروم، و توجه ویژه به بانوان و نیز به جوانان، برجسته شود و همواره در مد نظر قرار گیرد.» ایشان همچنین در جای دیگری فرموده‌اند: «من هم روی این موضوع تکیه می‌کنم. از علم و فکر و برنامه و اشخاص عالم استفاده کنید. هرچه می‌توانید، عقول صاحبان عقل را بر عقل خودتان بیفزایید و ذخیره عقلانی خود را تقویت کنید تا بتوانید کارها را انجام دهید.» مجموعه پارامترهای مدنظر رهبر معظم انقلاب در مورد محتوای برنامه‌ریزی شهری و جهت‌های مناسب برنامه‌های شهری را می‌شود به صورت زیر بیان کرد:

- ترویج فرهنگ نظم و قانون؛

- گسترش نمادهای دین و اخلاق؛

- عدالت و فراگیری در خدمات شهری و نگاه عدالت‌گستر به محله‌های محروم؛

- توجه به نیازهای جانبازان و مصدومان جسمی؛

- توجه ویژه به بانوان و جوانان؛

- توجه به گرایش‌های عقلانی در مدیریت شهری؛

در واقع محتوای برنامه‌هایی که قرار است در شهر اسلامی اجرا شود باید متناسب با معیارهای اسلامی - ایرانی مد نظر ایشان در مورد پدیده‌های فرهنگی باشد. روح کلی این برنامه باید در مسیر تحقق هرچه بیشتر معنویت اسلامی در سایه مفاهیمی چون عدالت اجتماعی در سایه گسترش نمادهای دینی و اخلاقی باشد. ساختار ظاهری و برنامه‌های



مدنظر مدیران شهری باید به گسترش هر چه بیشتر قانون و قانون مداری در شهر اسلامی یاری برساند تا همه شهروندان ساکن در این شهر بتوانند از مواهب نهفته در قانون به طور برابر و هماهنگ استفاده نمایند. در واقع در نگاه مقام معظم رهبری تحقق توسعه پایدار به صورت کلان برای ایران اسلامی از مسیر توسعه شهری می‌گذرد. در این نگاه توسعه شهری زمینه ساز محقق شدن توسعه پایدار ملی را فراهم می‌آورد. با تدبیر در معانی کلمات، مشخص می‌شود در الگوی مبانی دینی اسلام، کلمه شهر از قوانین بدون شریعت اخذ شده است. زندگی به شیوه اسلامی که مبتنی بر هدف تعالی انسان است، بدون تلاش در جهت به کار بستن دستورالعمل منطبق بر ارزش‌های دینی، امکانپذیر نخواهد بود. در واقع قرآن (در آیه شریفه ۲۰۵ سوره بقره) و نیز سنت، صریحاً بی‌نظمی در هر کدام از جنبه‌های زندگی را محکوم نموده و استفاده از تمامی امکانات و اقدامات سازمانیافته در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی را ضروری میدانند.

### یافته‌های تحقیق

#### نقش نیروی انتظامی در توسعه با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری

امنیت و محله‌محوری: با توجه به اینکه محله از پایه‌های اساسی جامعه و شهر می‌باشد، نیروی انتظامی رویکرد محله‌محوری را پیش‌بینی و اجرایی کرده است. با توجه به روشهای این رویکرد و وجود ظرفیت‌های مؤثر در محله، ضرورت بررسی میزان تأثیر این رویکرد در برقراری امنیت مورد توجه، بیشتر قرار گرفته است. محله به عنوان واحد کوچک شهری مورد توجه قرار گرفته تا از این طریق بواسطه محدود شدن فضای مکانی و تسهیل دسترسی، جلب مشارکت مردم و نهادها و سازمان‌های محلی امنیت برقرار شود (کارگر، ۱۳۹۱: ۹). محله به عنوان جزء اصلی شهر در برقراری امنیت مورد توجه است که

با سازماندهی امکانات و مقدورات و شرایط فیزیکی آن رویکرد محله محوری تلقی می‌شود با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت محله محوری رویکردی است که سازمان‌ها و نهادهای متولی برقراری امنیت، با توجه به ظرفیت‌های بافت و هویت محله و با سازماندهی مقدورات سازمانی ارتباط فعال با مردم، افزایش آگاهی امنیتی ساکنین و به فعل درآوردن سرمایه اجتماعی در جهت تأمین امنیت اتخاذ می‌شود (پلیس پیشگیری، ۱۳۹۱: ۳) تشکیل ایستگاه پلیس در محله بیشترین تأثیر در کاهش از احساس بی‌نظمی اجتماعی، کاهش ترس از بزه‌دیدگی، کاهش وجود جرم نسبت به اموال و بهبود ارزیابی از پلیس دارد (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۹) پلیس محله به نوعی متولی انجام اقدامات پیشگیری وضعی در محیط‌های مناسب جهت ارتکاب جرم می‌باشد. پلیس خصوصی تحت نظارت مرکز انتظام در تعامل با کلانتری‌ها در راستای پیشگیری از جرم تلاش خواهد کرد. از جمله موارد همکاری عبارتند از:

- اعلام نقاط تحت پوشش در محله‌ها و اماکن به کلانتری محل
- اعلام سریع اخبار و اطلاعات مربوط به وضعیت انتظامی و تردهای مشکوک به کلانتری حوزه انتظامی
- شناسایی و معرفی مظنونین به کلانتری محل با ارائه گزارش کتبی.

به کارگیری پلیس محله دارای مزایای غیر قابل انکاری است. پلیس عمومی برای جلب مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم، بخشی از وظایف خود را به نهاد خصوصی واحد صلاحیت تفویض می‌کند. نقش آفرینی مثبت پلیس محله در پیشگیری وضعی در جهت سخت‌تر کردن، پرخطر کردن و افزایش هزینه ارتکاب جرم غیر قابل انکار است. اماکن دارای فضای کارآمد جاذبه کمتری برای ارتکاب جرم دارند. بزه‌کار مستعد برای ارتکاب جرم در صورت وجود آماج مناسب، تصمیم برعملی کردن اراده خود خواهد گرفت و در

این موارد حضور پلیس محله، ارتکاب جرم را برای آن‌ها سخت‌تر و احتمال دستگیری را بیشتر می‌کند. نظارت پلیس خصوصی بر محیط و کنترل راه‌های جرم‌زا، هر چند به صورت موقت مانع ارتکاب جرم خواهد شد، اما نقش پلیس محله با توجه به شرح وظایف ایشان در راستای پیشگیری وضعی، در مواردی چالش برانگیز است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

هر چند جامعه محوری دارای ابعاد وسیعی است و پژوهشگران مطالعات امنیتی جامعه و پلیسی از آن به عنوان یک فلسفه یاد می‌کنند (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۹). محوری را می‌توان به نحوی متأثر از رویکردی در مرجع امنیت دانست که در آن، جامعه به عنوان مرجع امنیت یاد شده و امنیت را در تمام سطوح آن به نحوی فرآیندی اجتماعی و نه پروژه‌های رسمی و با ساختار دولتی، تلقی می‌کند.

جامعه محوری به عنوان یک شیوه و راهبرد تأمین امنیت، دارای ویژگی‌ها و پیش فرض‌هایی است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

- امنیت یک فرآیند اجتماعی است؛
- امنیت با مشارکت مردم و سایر نهادها قابل تأمین است؛
- طبق این دیدگاه دولت‌ها به تعبیر دانیل بل<sup>۱</sup> بسیار کوچک‌تر و ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانند به تنهایی در مدیریت این آسیب‌ها توفیق حاصل نمایند؛
- امنیت رابطه‌ی مستقیمی با اقتدار و ساز و کارهای امنیتی دارد؛
- امنیت صرفاً وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس، جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات عمومی به باور و

---

<sup>۱</sup>. Danial bel

هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثربخشی اقدامات قانونی است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۳)

### نیروی انتظامی و نقش موثر در تحقق شعار رونق تولید:

- ۱- تأمین امنیت لازمه تحرک و رونق اقتصادی
  - ۲- مبارزه جدی با قاچاق:
    - قاچاق، از موانع تحقق رونق تولید
    - به صورت دوطرفه درآمدن قاچاق در این روزها:
    - واردات قاچاق
    - خارج کردن برخی اجناس مورد نیاز مردم و بخش کشاورزی
  - ۳- اقتدار، کارایی و پیشرفت:
    - اقتدار و «مهربانی» نیروی انتظامی دو عنصر مکمل یکدیگر
    - درخشش نیروی انتظامی در تأمین امنیت مناطق سیل زده و خدمتگزاری به مردم آسیب دیده
    - پیشرفت‌های نیروی انتظامی در سال‌های اخیر، حقیقتی با ارزش:
    - لزوم رسیدن به سطح مطلوب با تلاش و کار مداوم
    - لزوم اصلاح عوامل زایل کننده فضیلت‌ها و افتخارهای نیروی انتظامی
- حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی کشور بیانات مهمی را ایراد فرمودند. مهم‌ترین بخش‌های بیانات معظم له به شرح ذیل می‌باشد:

- ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی، روحی و روانی در جامعه از مهم‌ترین مسئولیت‌های این نیرو است.

- نیروی انتظامی مظهر حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی است بنابراین باید اقتدار داشته باشد اما این اقتدار به معنای ظلم کردن و حرکت بی مهار نیست.

مقام معظم رهبری، تأمین امنیت را لازمه‌ی تحرک و رونق اقتصادی خواندند و خاطر نشان کردند: یکی از موانع تحقق رونق تولید، «قاچاق» است که امروز به صورت دوطرفه درآمدی است و علاوه بر واردات قاچاق، برخی اجناس مورد نیاز مردم و بخش کشاورزی نیز از کشور خارج می‌شود.

### نقش و کارکرد نیروی انتظامی در استقرار نظم و امنیت و توسعه شهری در افق چشم

انداز ۱۴۰۴

ابلاغ سند چشم‌انداز توسط مقام معظم رهبری در آبان ماه سال ۱۳۸۲، نقطه عطفی در مدیریت، راهبری و ساماندهی حرکت کلی کشور در جهت اهداف متعالی انقلاب اسلامی بود. چشم‌انداز ۱۴۰۴ که به مثابه هدفی آرمانی و تحقق پذیر، انسجام بخش همه سیاست‌های کلی است، افق پیش روی همه قوا، دستگاه‌ها، نهادها و مردم عزیز کشورمان را در فضای دو دهه آینده نشان داده و مایه امید و دلگرمی در دولت و مردم و جهت دهنده به برنامه‌های میانمدت و بلند مدت نظام گردید. این سند ارزشمند همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، دفاعی را در بر می‌گیرد و جهت‌گیری‌های خرد و کلان کشور را در این عرصه‌ها مشخص می‌نماید (مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز ج.ا.ایران، ۱۳۸۵، پیشگفتار). سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را که مهم‌ترین سند در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور محسوب می‌گردد می‌توان به دو بخش تقسیم نمود یکی بیانیه

سند چشم انداز و دیگری ویژگی‌های ایران ۱۴۰۴ که در هشت بند مجزا ارائه گردیده است. نیروی انتظامی مهم ترین سازمان و تشکیلات مسئول برقراری نظم و امنیت در کشور محسوب می‌گردد. این نیرو با برقراری امنیت در کنار نظم که لازمه هرگونه پیشرفت فردی و اجتماعی است امکان ادامه حیات مادی و معنوی و هرگونه توسعه ملی را فراهم می‌سازد. اولین برخورد قانونی با افرادی که به طریق مختلف درصدد به هم زدن امنیت و نظم جامعه هستند، توسط کارکنان نیروی انتظامی صورت می‌گیرد. از دیگر سو، حضور فیزیکی عناصر نیروی انتظامی در معابر و اماکن عمومی، خود عامل پیشگیری از وقوع جرم است (امیدوار، ۱۳۷۹: ۱۰۶) اهمیت و نقش نیروی انتظامی به آن حد است که به موجب قسمت ششم از بند ششم اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی انتظامی برعهده عالی ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی مقام معظم رهبری است.

همچنین در ماده سوم از قانون تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، هدف از تشکیل نیروی انتظامی (مصوب سال، ۱۳۶۹) چنین تصریح شده است استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است بر این اساس، وظایف عمده نیروی انتظامی را می‌توان به شکل زیر طرح نمود.

الف- استقرار نظم و امنیت؛

ب- تأمین آسایش عمومی و فردی؛

ج- نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی.

توجه به مفاد بند نخست از این اصل کافی است تا به نقش عمده نیروی انتظامی در استقرار نظم و امنیت جامعه پی ببریم. تحقق مفاد بندهای «الف»، اهمیت و گستردگی

وظایف و نقش خطیر این نیرو را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آشکار می‌سازد (امیدوار، ۱۳۷۹: ۶).

بر همین اساس می‌توان اظهار داشت که نیروی انتظامی از یک سو یک نیروی دولتی اجبار آمیز است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر یک نیروی مدنی است که هیچ فاصل‌های میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را هر روزه در خیابان‌های شهر، رسانه‌ها، در مکان‌های عمومی و در تشریفات و آئین‌های خاص مشاهده می‌کنیم، مثلاً وقتی می‌بینیم مأمور پلیس دست دانش‌آموزی را گرفته و او را از مسیر خط کشی شده ویژه عابران پیاده عبور می‌دهد، اگر چه در لباس مأمور امنیت است، اما در آن لحظه نقش مدنی و آموزشی دارد، نه نقش اقتداری و سازمانی. بعد نخست یعنی اقتدار دولتی پلیس، در تأمین نظم، استقرار و نگهداری امنیت متجلی می‌شود. همچنان که دولت نماد قدرت، قانون و نظم است، پلیس هم تجسم ویژگی‌های نظام سیاسی می‌باشد، ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می‌یابد. قانون محوری و سازمانگرایی حکومت باعث می‌شود که این اقتدار فراگیر گاه دولت مردان و سیاست‌مداران را هم شامل فعالیت و عمل پلیسی کند. از این منظر:

۱- پلیس تجسم نمادین نظام سیاسی است: هر مأمور پلیس نه تنها نماد اقتدار دولت از طریق تحقق و توزیع نظم در جامعه بر اساس هنجارهای قانونی و فرهنگی تعریف شده در جامعه است، بلکه واجد اقتدار و ظرفیت لازم برای تصمیم‌گیری در این مورد که چه اعمالی مایه نقض هنجارها می‌شود، می‌باشد.

۲- پلیس مظهر حضور فراگیر است: این اقتدار زمانی و مکانی فراگیر را به نمایندگی از جانب حکومت دارا است. این وضعیت نیروی پلیس را تبدیل به عاملی آشکار و عیان می‌کند که در واقع از این حیث، با سیاست چفت و بست است.

۳- کارکردهای چندگانه پلیس: کارکرد پلیس نسبت به زمان‌های قدیم از حد صرف اعمال قانون فراتر می‌رود. مأموران پلیس خلاءهای ایجاد شده در بطن جامعه را از راه مساعی و اشتراک عمل با مراکز و عاملان اجتماعی پر می‌کنند.

۴- آزادی عملی در انجام وظایف: باعث می‌شود نه تنها مردم بلکه سیاستمداران و حکومت را هم در بر بگیرد. در این معنا پلیس می‌تواند از خدمات رسانی به مقامات دولت حتی در مواردی که دارای مصونیت هستند خودداری ورزد.

۵- استفاده مشروع از زور: تنها پلیس است که در استفاده از زور برای فرایند دستگیری و حتی استفاده از خشونت مجاز است (شاکری، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۲) بعد دوم، یعنی هویت مدنی و اجتماعی پلیس عمدتاً در سطح عوامل پلیس (یعنی مأموران) در حیطه عمل و رفتار پلیس ظاهر می‌شود. به این معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید، پاسخگویی به دریافت کنندگان خدمات.

پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و پلیسی محلی از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیسی می‌باشد، منشأ و پیدایش پاسخگویی به تعامل حوزه عمومی و قدرت، یعنی رابطه دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد. در این رویکرد مسئولیت و قدرت پلیس که به طور غیرمستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده، مستلزم و موجب پاسخگویی پلیس به حوزه عمومی یعنی مصرف کنندگان خدمات پلیسی می‌باشد.



براساس تبیین فوق پاسخگویی پلیس به شکل نهادی سه حوزه ذیل را دربر می‌گیرد:

۱- پاسخگویی به ارباب رجوع یا کسانی که از خدمات پلیس استفاده می‌کنند؛

۲- پاسخگویی به همکاران، سازمان‌ها و مراکز؛

۳- پاسخگویی به کلیت جامعه که عملیات کامل (پلیسی) در آن صورت می‌گیرد.

وجهی دیگر از هویت مدنی پلیس در کارکرد صلح‌آمیز، تفاهم‌جویانه و همزیستی‌گرایانه آن با مردم دیده شده است. در نگرش‌های جدید، پلیس یک نیروی خشن و سرکوبگر و تنبیه‌کننده نیست، بلکه پلیس با واردشدن به جهان و شبکه رفتاری و معنایی انسان‌ها و همدردی با ایشان با روش‌های غیرمستقیم و بسیار ظریف و اهداف دراز مدت خود که همان صلح و آرامش جامعه است، دست می‌یابد. این رویکرد نگاه بسیار جدیدی به پلیس است زیرا دیگر بر نقش و کارکرد دولتی و قانونی پلیس که در آن یک مأمور پلیس صرفاً مسئول جلوگیری از دست‌اندازی به قوانین و مجازات متخلفان و قانون‌شکنان است تأکید نمی‌ورزد، بلکه این موقعیت و جایگاه مدنی و انسانی پلیس است که پاسدارای مقوله امنیت و اهمیت نقش و - از صلح را به ارمغان می‌آورد (همان منبع: ۳۳-۳۵)

کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای عملی و روانی تأمین آن در جامعه، از جمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده و هست و این بخصوص ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخش‌های نظام سیاسی به جهت ایفای هر چه بهتر رسالت خطیر آن در تأمین امنیت عمومی و امنیت ملی پایدار را می‌طلبد (پلیس و امنیت عمومی، ۱۳۷۹: ۲۶).

در بحث انتظامی و امنیت عمومی پلیس جهت برقراری نظم و برخورد با متخلفان، معمولاً با مردم کشور مواجه می‌شود و استثنائاً در مواردی هم با دشمن مواجه است. برخورد پلیس غالباً با افراد متخلف و یا آلوده است، به همین دلیل زمانی که نیروی انتظامی در

شرایط اضطراری برای ایجاد نظم و امنیت وارد عمل می‌گردد خیلی باید با احتیاط عمل نمود، چرا که نیروهای نظامی با تاکتیک مقابله با دشمن آشنا هستند و بر همین اساس برای مواجهه با دشمن تربیت شده است. آموزش نیروهای نظامی برای مقابله و برخورد و جنگ با دشمن است، در حالی که نیروی انتظامی برای مقابله با افراد منحرف و یا ناآگاه تربیت شده است. به همین دلیل وقتی فردی از نیروی نظامی به نیروی انتظامی منتقل می‌شود لازم است آموزش‌های لازم را طی کند، چرا که او قبلاً همواره به فکر نحوه مقابله با دشمن بوده، حال آنکه اینجا باید با هموطنی مواجهه شود که به گونه دیگری می‌اندیشد و یا منحرف و فاسد است. نیروی نظامی می‌خواهد دشمن را برای همیشه براند، ولی نیروی انتظامی می‌خواهد فرد منحرف را پس از اصلاح به جامعه برگرداند (روحانی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

الف) جا به جایی جرم: اگر چه وجود محافظ، ارتکاب جرم را برای مجرم سخت خواهد کرد، اما باید توجه داشت که دسته‌ای از بزه‌کاران، حسابگران جزایی هستند و سعی در رفع موانع برای کسب منفعت دارند. پس بدیهی است که با از بین رفتن یک فرصت، انگیزه مجرمانه و یا عوامل موثر دیگر در ارتکاب جرم از میان نمی‌رود. پس این بزه‌کاران تلاش در راستای عملی کردن تصمیم خود در شرایط، زمان یا مکان مناسب دارند. البته لازم به ذکر است که این ایراد، به صورت خاص متوجه نقش پلیس محله نیست. بلکه همواره یکی از ایرادهای اساسی مطرح شده به روند پیشگیری وضعی بوده است و اقدامات پلیس محله در راستای پیشگیری وضعی از جرم مستثنی از این ایراد نمی‌باشد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

ب) برخی از وظایف پلیس محله: یکی از انتقادهایی که همواره به پیشگیری وارد می‌شود، نقش پیشگیری در محدود کردن آزادی‌های فیزیکی افراد است. مبنای آزادی تمامیت

جسمانی، اصل عدم قابلیت تعرض به جسم انسانی است. اما به نظر می‌رسد پیش بینی برخی وظایف برای پلیس محله، بدون تعیین معیار و مبنای مشخص آزادی رفت و آمد افراد و به تبع آن اصل برائت را نقض می‌کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۵۷)

مورد دیگر در شرح وظایف پلیس محله جلوگیری از تعرضات افراد شرور است. سوالی که در این زمینه به ذهن می‌رسد این است که ملاک در تشخیص شرارت چیست؟ آیا به صرف اینکه پلیس شخصی را با توجه به ویژگی‌های ظاهری، شرور فرض کند کافی است؟ معیار در این موضوع شخصی است یا نوعی؟ سوال دیگر این است که در صورت معرفی ایشان به کلانتری میزان اعتبار گزارش پلیس محله تا چه حد است؟ آیا گزارش ایشان تحت عنوان گزارش ضابطین دادگستری مورد قبول قرار می‌گیرد؟ در مورد مفهوم شرارت تعریف مشخصی وجود ندارد؛ اما صرف نظر از اراده تعریفی دقیق از شرارت باید توجه داشت؟ که استفاده از عباراتی این چنین کلی و تفویض اختیار بدون تعیین دقیق مرزها و محورهای فعالیت در موارد بسیاری زمینه را برای سوء استفاده و نقض اصل برائت و حریم خصوصی اشخاص، فراهم می‌آورد. مساله بعد در رابطه با پلیس محله این است که اگر چه قانون حق حمل سلاح گرم را از ایشان سلب کرده است، اما ابزارهای دفاع شخصی از جمله باتوم، اسپری فلفل، دستبند، شوکر، فانسفه در اختیار ایشان قرار گرفته است. سوالی که مطرح می‌شود این است که مجوز استفاده از این ابزارها چیست؟ آیا نگهبانان محله صرفاً برای دفاع شخصی حق استفاده از ابزارهای مذکور را دارند یا در موارد تحت نظر قرار دادن افراد ناشناس، معرفی افراد مظنون به کلانتری یا جلوگیری از تعرض افراد شرور، (به عنوان مثال جلوگیری از وقوع نزاع و درگیری در حوزه فعالیت خود) نیز می‌توانند از ابزارهای مذکور استفاده کنند؟ دامنه و نحوه استفاده از وسایل دفاع شخصی در قانون مذکور مشخص نشده است و باید توجه داشت که در این حالت فرد

قادر به تشخیص موارد سوء استفاده پلیس محله در نحوه استفاده از وسایل دفاع شخصی علیه خود نمی‌باشد پس حق اعتراض نیز منتفی است. مساله و ابهام مهم‌تر در رابطه با پلیس محله موضوع پیش بینی دوره‌های آموزشی قبل از شروع به کار می‌باشد. در مورد کیفیت و نحوه دوره آموزشی در قانون توضیحی داده نشده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا در این حوزه به جز روش‌های دفاع شخصی، آموزش خاص دیگری نیز در رابطه با نحوه برخورد با مظنونین یا متهمین و یا جلوگیری از نقض حریم خصوصی اشخاص و... پیش بینی شده است؟ آیا پلیس محله نحوه برخورد صحیح با متهمین نوجوان را می‌دانند؟ آیا پلیس محله ارزش حریم خصوصی اشخاص و ضرورت احترام به آن و جلوگیری از نقض آن را مگر به تجویز قانون آموزش می‌بینند؟

مورد بعد نحوه نظارت بر عملکرد پلیس محله است. فعالیت موسسات خدمات حفاظتی - مراقبتی زیر نظر موسسه انتظام می‌باشد. در نحوه تعامل پلیس محله با کلانتری‌های محل مقرر شده است که نیروی انتظامی از طریق گشت زنی و سرکشی بر محیط‌های مذکور با عملکرد پلیس محله نظارت خواهد کرد، اما پرسش اساسی این است که آیا به صرف سرکشی می‌توان نظارت لازم را بر نحوه عملکرد پلیس محله داشت؟ چه میزان از تخلفات در گشت زنی‌ها کشف می‌شود؟

باید توجه داشت که واگذاری حق پلیس عمومی به بخش خصوصی در راستای جلب مشارکت مردمی طرحی بسیار حساس است و باید مراقب بود تا زمینه برای سوء استفاده یا نقض حریم خصوصی افراد فراهم نشود. این نحوه‌ی واگذاری اختیارات به صورت کلی و بدون تحدید مرزهای آن شاید در مواردی بیشتر از آن که زمینه پیشگیری را فراهم کند، جرم‌زا باشد. (علیزاده، قلعه کار، ۱۳۹۳: ۶۰ - ۵۹)

ایجاد مشارکت بین پلیس و محله در رویکرد پلیس محله محور عبارت است از ایجاد ارتباط همکاری با افراد و سازمان‌های مردم نهاد. در واقع رویکرد پلیس محله محور چهار نوع ارتباط را شامل می‌شود که برای رسیدن به هدف همکاری به معنی تعیین و تکمیل کار ضروری به نظر می‌رسند. ارتباط ساده می‌تواند شامل مبادله اطلاعات ساده میان افراد و گروه‌های محل، مبادله افکار، نظریه‌ها و احساسات باشد و نتیجه آن درک بهتر از دیدگاه‌های مختلف است همکاری نوع دیگری از ارتباط را هم شامل می‌شود که عبارت است از ارتباط غیر رسمی که هیچ ساختار مشترک و تلاشی برای برنامه‌ریزی در این نوع ارتباط وجود ندارد و منابع از یکدیگر جدا می‌مانند. همکاری، نوع سومی از ارتباط را هم شامل می‌شود که عبارت است از ارتباط رسمی و درک بهتر از مأموریت‌ها و اهداف. این ارتباط نیز به برنامه‌ریزی مشترک نیازمند است. نوع آخر ارتباط برای همکاری عبارت است از ارتباط دو جانبه تعریف شده‌ای که برای هر دو طرف دارای منفعتی می‌باشد. در این ارتباط دو یا چند سازمان وارد می‌شوند که برای رسیدن به هدف مشترک تلاش می‌کنند. هر سازمانی مسئولیت جداگانه‌ای دارد که برای رسیدن به آن هدف لازم است. در هر جامعه‌ای مشاغل، سازمان‌های خدمات اجتماعی، سازمان‌های دینی و سازمان‌های مدنی وجود دارند که می‌توانند منابع ارزشمندی برای ایجاد ارتباط با جامعه باشند. پلیس محله محور تشخیص می‌دهد که وقتی ارائه دهندگان خدمات در ارتباط نزدیک با جامعه‌ی محله فعالیت می‌کنند، نسبت به دلایل بروز و دامنه مشکلات اجتماعی درک بهتری خواهند داشت و در نتیجه می‌توانند راه‌های بهتری برای ارائه خدمات پیدا کنند. به علاوه، ارائه دهندگان خدمات به محله از طریق همکاری نزدیک می‌توانند هر گونه شکاف یا کمبودی را در خدمات انسانی تشخیص داده و متناسب آن خدمات مورد نیاز را ارائه دهند. پلیس محله محور از طریق مشارکت با جامعه در حل مسئله سعی دارد از خرابی و اغتشاش در

جامعه که باعث مشکل دیگری به نام جرم و جنایت و یا ترس از جنایت می‌گردد، جلوگیری نماید. با افزایش ایمنی عمومی، مردم اعتماد بیشتری پیدا می‌کنند تا در جامعه حضور داشته و با دیگران تعامل داشته باشند. این اولین قدم در ایجاد ارتباط و احساس اجتماعی بودن در محله است. تجربه نشان داده است برقراری امنیت بدون تعامل پلیس و مردم امکان پذیر نیست و به هر میزان این مشارکت قوی‌تر و حساب شده‌تر صورت گیرد نظم و امنیت نیز آسان‌تر فراهم می‌شود. از طرف دیگر، مشارکت و تعامل به نحو مطلوب صورت نمی‌گیرد مگر این که محله به پلیس اعتماد کامل داشته باشد و این اعتماد فراهم نمی‌شود مگر این که پلیس با نهایت تلاش و دلسوزی و حسن برخورد و پناه و ملجأ بودن خود برای افراد مظلوم و نیازمند خدمت و با قاطیعت و اقتدار در برخورد با تبهکاران و جانیان و بر هم زندگان نظم و امنیت عمومی و استمرار در اجرای حق و عدالت، صلاحیت خود را برای ایفای این نقش مهم به اثبات برساند. پیچیدگی، گستردگی و اهمیت مأموریت نیروی انتظامی این سازمان را از دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی متمایز کرده است و جا دارد هم حکومت و هم جامعه توجه ویژه و خاصی نسبت به آن داشته باشند و خود پلیس نیز برای اینکه بتواند هم پشتیبانی مطلوب حاکمیت و هم تعامل و همکاری ویژه مردم را با خود داشته باشد، باید مأموریت خود را به نحو مطلوب به انجام برساند و برای این کار چاره‌ای جز تربیت و پرورش نیروی انسانی متعهد و متخصص و کارآمد ندارد.

جمع بندی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در ارتباط با نقش نیروی انتظامی در توسعه

شهری اسلامی - ایرانی

وظایف نیروی انتظامی در برقراری امنیت در شهرهای اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری  
(مستخرج از متن فرمایشات مقام معظم رهبری)

مؤلفه	متن فرمایشات مقام معظم رهبری	آدرس
وظیفه نیروی انتظامی در ایجاد امنیت در شهرهای اسلامی	این امنیت هم شعبی دارد: امنیت در محل کسب، در محیط زندگی، امنیت اخلاقی، امنیت اقتصادی: شیطان‌ها در شکل‌های مختلف ایجاد شر و فساد می‌کنند این شرها بایستی به وسیله قدرت نیروی انتظامی از محیط زندگی پاک و پاکسازی بشود	۱۳۷۸/۲/۱
	این نیروی انتظامی است که از سوی نظام و دولت اسلامی باید فضای زندگی مردم را امن نگه‌دارد تا مردم احساس امنیت و آرامش کنند	ویژگی‌های پلیس اسلامی
	فلسفه وجود نیروی انتظامی این است که بتواند برای آسایش مردم و محیط زندگی آن‌ها نظم برقرار کند مواظب باشید مردم دچار ناراحتی نشوند	۱۳۶۸/۶/۲۸
	امنیت یک مقوله اساسی است امنیت اجتماعی، امنیت فردی امنیت در همه محیط‌های زندگی امنیت فکری و معنوی و روانی همه اینها جزو انتظارات مردم است که بخشی از این وظایف بر عهده نیروی انتظامی است	۱۳۷۹/۷/۱۸
	نیروی انتظامی مسئول امنیت فضای زندگی و جان و مال مردم در سراسر کشور است	۷۶/۴/۲۵
	شما (ناجا) وظیفه‌ای که برای خودتان تعریف کرده اید آنست که مردم در محیط زندگیشان کسب و کارشانو محیط معاشرتهای گوناگونشان امنیت بوجود بیاورید یعنی آن‌ها را از شر دزد و قاچاقچی و اغتشاشگر و فاسد و زورگیر و اینها در امان نگه دارید این وظیفه ایست که شما برای خود تعریف کرده اید این خیلی وظیفه مهمی است.	۹۸/۲/۵
	امنیت با این عظمت و با این اهمیت پایه عمده اش بر دوش نیروی انتظامی است امنیت هم صرفا امنیت تن‌ها و جسم‌ها نیست امنیت جان‌ها هم هست لذا ما چند سال قبل مسئله امنیت اخلاقی (که بر اساس آن مسئولان کار کردند و فکر کردند) را مطرح کردیم	۱۳۹۰/۲/۴
	در مورد مسئله مبارزه با مفاسد اخلاقی و تأمین امنیت اجتماعی، کاری که اخیرا نیروی انتظامی اعلام کرد و از پیش و بعد شروع کرد کار بسیار بزرگ و مهمی است	۱۳۸۶/۲/۲
	کاری کنید که نیروی انتظامی مفاسد و نامنی را در کشور ریشه کن کند اینها توقعات ما از نیرو است که در واقع وظایف قطعی نیرو هم محسوب می‌شود	۱۳۷۵/۵/۲

مؤلفه	متن فرمایشات مقام معظم رهبری	آدرس
	نیروی انتظامی باید با نقض هر آنچه که طبق قوانین شرعی و مقررات رایج کشور در زندگی آشکار مردم ممنوع است برخورد کند و قدرتمندانه مانع قانون شکنی در سطح جامعه شود	۱۳۷۰/۱۱/۲
	تأکید ویژه اینجانب بر مقابله جدی با ناامن کنندگان شهر و روستا و آلوده سازان معابر شهری و بیابانی به خصوص در نقاط مجاور مرز برخورد قاطع با عاملان سرقت و ناامنی اجتماعی و شیوع مواد مخدر است	۱۳۷۹/۴/۷
	این هم به عهده دستگاه‌های انتظامی و قضایی است که با این اراذل و اوباش و ناامن سازان محیط زندگی و کار مردم برخورد کند	۱۳۷۹/۱/۶
	حفظ امنیت اسلامی در محیط جامعه: این اساسی‌ترین کار نیروی انتظامی است کار بسیار بزرگی هم هست	۱۳۷۰/۱۱/۲
	شما با نظم مردم و انتظام امور جامعه سر و کار دارید با رفت و آمدها در خیابان در خانه، در محیط کسب، در نمایشگاه در مرز در جاده، مردم می‌خواهند در محیطی بی دغدغه رفت و آمد کنند دوست ندارند با تفنگ و فشنگ سرو کار داشته باشند شما در چنین محیطی مسئول نظم هستید	۱۳۸۶/۲/۲
	امنیت را در بخش عظیمی از زندگی و حیات اجتماعی و فردی مردم نیروی انتظامی تأمین می‌کند	۱۳۷۸/۷/۱۷
	حفظ امنیت آنجای که هست و تأمین امنیت آنجایی که امنیت نیست این یک وظیفه بسیار سنگین و مهمی است که بخش عمده‌ای از آن به عهده شماست (نیروی انتظامی)	۱۳۸۷/۲/۱
	نیروی انتظامی در حفظ نظم داخل کشور مظهر اقتدار نظام است نظم شهرها معابر جاده‌ها و هر چه شما مقتدر باشید این نشاندهنده اقتدار نظام است	۱۳۸۴/۱۲/۱۵
	فلسفه وجودی نیروی انتظامی اینست که بتواند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آنها، نظم برقرار کنند مواظب باشید مردم دچار ناراحتی نشوند	۱۳۶۸/۶/۲۸
	خصوصیت سوم (نیروی انتظامی) رحمت و مهربانی است باید نسبت به مردمی که می‌خواهید از خانه، جاده، امنیت، مرز و کسب و کار آنها محافظت کنید احساس رأفت و رحمت داشته باشید	۱۳۷۴/۴/۲۱



مؤلفه	متن فرمایشات مقام معظم رهبری	آدرس
	مردم هم از این حظ می‌برند و احساس ستایش قلبی می‌کنند که ببینند آنجا که نیروی انتظامی باید می‌بود؛ بود، این مهم است. پس بنابراین نفس حضور شما در شهرها و خیابان‌ها و جاده‌ها همان جاهایی که بوده اید و منعکس هم شده.	۱۳۸۷/۲/۱
	نفس همین مسئله که ما یک نیروی انتظامی داریم که وظیفه تعریف شده او عبارت است از نظم و امنیت این سر پست خود حاضر است این خیلی مهم است.	۱۳۸۷/۲/۱
	یک جنبه، احساس اقتدار در مقابل کسانی است که قانون و نظم و انضباط را در جامعه به چیزی نمی‌شمارند و در مقابل قانون که متعلق به عموم مردم است سینه سپر می‌کنند	۱۳۸۶/۸/۱۶
	نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی است. مظهر آن قدرتی است که مردم آن قدرت را بکار می‌برند تا بر سر آدم ناامنی کن بزنند و مانع او شوند	۱۳۷۳/۴/۲۹
	نیرویی که موظف به ایجاد نظم و استقرار امنیت است باید با حساسیت بیشتری کار خود را دنبال کند	ویژگی‌های پلیس اسلامی
	اهمیت بسیار و دقت و هوشیاری شما در مورد امنیت محیط زندگی مردم، نقش بسیار مهمی دارد	نیروی انتظامی، مرکز تحقیقات ناجا

### نتیجه گیری

شهرنشینی شتابان با ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی زیادی همراه است. امروزه توسعه شتابان شهرنشینی در ایران پیامدهای مختلفی را به بار آورده است. رشد ناهنجاری‌های و جرائم اجتماعی در حوزه‌های شهری یکی از این پیامدهاست که سبب ناامنی در شهرها شده است و قادر است در سیستم اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهرها اختلال ایجاد نماید. در این راستا نقش نیروی انتظامی در برقراری امنیت کاملاً محسوس است. پلیس با انجام فعالیت‌های خود سعی دارد امنیت فردی، اجتماعی و ملی را در جامعه ایجاد و تقویت احساس امنیت در میان اقشار مختلف بپردازد. لیکن این

مهم زمانی به نحو شایسته و جامع تحقق خواهد یافت که با همکاری و ارتباط آحاد مردم همراه باشد؛ لذا با توجه به گستردگی، کثرت و تنوع مأموریت‌ها، پلیس به تنهایی در برقراری امنیت موفق نخواهد شد بنابراین باید زمینه‌های گسترش شبکه ارتباطی بین مردم را فراهم کرد تا بدین ترتیب بده و بستان‌های عاطفی میان فرد و پلیس صورت گیرد و با تشکیل گروه‌ها و تشکل‌های جدید باهم همکاری کنند؛ از این طریق، روحیه همبستگی اجتماعی و اعتماد افراد با پلیس در جامعه افزایش می‌یابد. آگاهی از نحوه عملکرد پلیس و شفاف‌سازی آن باعث ایجاد روحیه مشارکت در مردم و روحیه ارتباطی آن‌ها را بال می‌برد. وضعیت ظاهر، قیافه و رفتار توأم با احترام جلب اعتماد اجتماعی مردم می‌شود و در ادامه اقتدار نیروی پلیس را به همراه دارد. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری برای دستیابی به امنیت در توسعه شهری ایرانی اسلامی تأکیدی صورت گرفته که شامل لحاظ نمودن طراحی و معماری اسلامی در شهر تا بتواند با هویت بخشی به شهروندان موجبات احساسات امنیت را در آن‌ها فراهم آورد و به کارگیری شایسته سالاری و عدالت اجتماعی در اداره امور و نیز تقویت شاخص‌های حکومت مردمسالاری دینی که افراد در شهرها بتوانند به لحاظ فکری و سیاسی احساس امنیت کنند و ایجاد فضایی برای گرایش مردم به مذهب و اسلام که رعایت اصول اسلامی به طور صحیح از سوی مسئولین می‌تواند زمینه ساز خوبی برای این مهم باشد. تقویت روابط و تعاملات مردم با یگدیگر بر اساس اصول اسلامی که بتواند زمینه همبستگی و انسجام و افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه حمایت فرد از سوی دیگران در حوزه‌های مختلف و به سبک‌های مختلف را که به ارتقا احساس امنیت در فرد بیانجامد. یکی از موضوعات بسیار مهم در ادبیات فکری مقام معظم رهبری مفهوم امنیت و امنیت جامعه شهری و نقش آن در توسعه ملی می‌باشد و اهداف و اصول این امنیت در نگاه این عالم جهان اسلام، یک ابزار در خدمت اندیشه اسلامی است و

هدف از آن حفظ آرامش و جان و مال و ناموس و بویژه اعتقادات و رعایت اخلاق اسلامی در این شهرها می‌باشد. بنابراین چنان که گزیده بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌شود از دیدگاه ایشان امنیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای مردم و جامعه شهری می‌باشد و در این میان نقش نیروی انتظامی در ایجاد این امنیت بسیار مورد تأکید و حساس می‌باشد و به همین دلیل در اکثر بیانات نیروی انتظامی را به دقت و هوشیاری در ایجاد امنیت در محیط زندگی مردم فرا می‌خواند و ضرورت وجود امنیت برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، علمی و فرهنگی مورد تأکید ایشان می‌باشد.

## منابع

- جاویدی، مجتبی. (۱۳۸۹)؛ امنیت اخلاقی از دیدگاه رهبری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خورتابی، علیرضا. (۱۳۸۸)؛ اهمیت امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام، روزنامه حمایت، ۱۲ آبان.
- درویشی، فرهاد. (۱۳۸۹)؛ ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی (ره)، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۳
- کلهر، رضا. (۱۳۸۸)؛ درآمدی بر امنیت انتظامی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۳)؛ از شار تا شهر، تهران، دانشگاه تهران.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹)؛ تأملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره یک
- خدایی، زهرا و تقوایی علی‌اکبر. (۱۳۹۰)؛ شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره چهارم تابستان.
- قربانی، رحیم، و همکاران. (۱۳۹۱)؛ شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری و پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمایی، علی اعظم؛ مرادیان، محسن؛ عباسی، علی. (۱۳۸۸)؛ نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۷-۵۰
- صارمی، حمیدرضا (۱۳۸۹)؛ تحلیل نقش مسائل اجتماعی در ناامنی شهرها از دیدگاه اسلام، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۹، صص ۱۰۷-۱۱۸

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)؛ چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تابستان و پائیز صفحه ۱۷-۳۳.
- کالدول، دانیل. (۱۳۸۲)؛ رابطه تهدیدها با امنیت در دنیای جهانی شد، ترجمه مسعود آرایایی نیا، مجله راهبرد، شماره ۲۹، صص ۳۳۳-۳۴۶.
- ماندل رابرت. (۱۳۷۷)؛ چهره متغیر امنیت مل، ی ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم انداز ج.ا.ایران: ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها.
- فرصت‌ها (۱۳۸۵)؛ جلد چهارم، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- قمری، یوسف. (۱۳۸۸)؛ پلیس، امنیت و قانونگذاری در چشم انداز ۱۴۰۴. در مجموعه مقالات ویژه همایش علمی پلیس، امنیت و چشم انداز ۱۴۰۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۷-۱۰۶.
- شاکری، سیدرضا. (۱۳۸۱)؛ پلیس و مردم و امنیت عمومی تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی.